

پیش‌خوان

پیش‌خوان

نظری بر یک خوانش از جلال آل احمد بر اساس آثارش

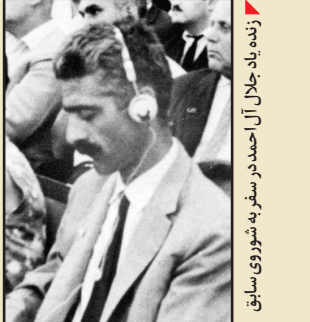
«از نفرین زمین» چه خواهیم برداشت؟

■ **محمد رضا کاتبینی**



زند‌یاد جلال آل احمد نویسنده و محقق نامدار ایران، از نمادهای تولید اندیشه در دوران ما به شمار می‌رود. حجم گسترده «مدح و ذم» و «نفش و ابرام»ی که دربارهٔ او صورت می‌گیرد، شاهدی بر این مدعاست. خوانش آل احمد ۵۰ سال پس از مرگ او و بر اساس آثارش، احتمالاً برای محققان خیر خوبی خواهد بود. این باز خوانی توسط مجتبی حبیبی به نگارش درآمده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را به زیور طبع آراسته است. مؤلف در دیباچه اثر، موضوع آن را به شرح ذیل توصیف کرده است: «راه‌ها هر چه باریک‌تر، صعب‌العبورتر و حساس‌تر باشند، آغازگر بودن در آنها رزشمندتر و مهم‌تر است به خصوص که راهی، دو جایگاه و موضع تاریخی را- آن هم در منظر یک قوم و ملت- به هم برساند. به فرض که ایستگاه و مبدأ این حرکت، وادادگی و انفعال و خیانت باشد و موقف و مقصد آن خودا گاهی، مبارزه و خدمت. ناگفته پیداست که این راه «توبه» نام می‌گیرد و مطالعه‌ی است برای یک رستخیز؛ رستاخیزی به آسمان، پس از هبوطی درنناک و فروخفتگی در حسیض ذلت. توبه‌ای چنین، اگر مقبول افتد منشأ حرکت است و یقظه‌ای عمومی و آن روز که همه بیدار شوند، آغازگران، هر یک به سهم تأثیرشان جادوانه خواهند شد. همانگونه که رهبری فرزانه انقلاب فرمود: جلال آل‌احمد در قله ادبیات مقاومت زمانه خویش و شاخص و نقطه شروع فصل توبه روشنفکری ایران است.

نویسنده‌ای کم‌نظیر، متعهد و انقلابی که موضوع شاهکارهای خود را اصلی‌ترین دغدغه‌های مسلمانان در ایران و جهان، بلکه مستضعفان عصر



زندیاد جلال آل احمد، در سفر به شوروی سابق

قرار داد، آنجا که ماهیت امپریالیسم غرب و شرق و ظلم آن دو- اسرائیل- را رسوا می‌سازد، تا آنجا که عمق انحرافات روشنفکران وطنی را فریاد می‌زند و آنجا که فقر و ظلم و بیداد و ناکارآمدی و بحران هویت ایران پهلوی را به داستان می‌کشد. پیش از ۴۶ اثر ادبی و علمی جلال، آیینهای شفاف از تحول اوستد در زندگی سیاسی و شخصی که در تلاطم توفان تحولات دهه ۱۳۲۰ و حزب توده و… آغاز می‌شود و طی دو سه دهه، در نهایت به ساحل نهضت‌اسلامی ۱۵ خرداد ۱۳۴۴ می‌انجامد و بشارت نجات و پیروزی را در قامت بلند حضرت روح‌الله سر می‌دهد.»

مؤلف در بخش‌ی دیگری از دیباچه، درباره نحوه تنظیم و تویبیب مطالب کتاب آورده است: «از نفرین زمین، تلاشی است برای بازخوانی مجدد جلال، نه آن سان که دیگران گفته و شنیده‌اند؛ بلکه آن سان که او گفته است و جز آثار او، چه ذخیره‌ای یاری بازگویی آن همه حکایات را دارد؟ این اثر در چهار بخش، آثار جلال را موشکافی می‌کند و با او همراه می‌شود تا آخرین برگ‌های یک داستان که هر چند به مرگ مشکوک نویسنده ناتمام می‌ماند، ولی می‌توان صفحه نویسنده‌مانده آن را خواند و از روی آن استنتاج کرد.

در بخش اول، از سفرنامه‌های جلال، سفرهای خارجی او بررسی شده است. در بخش دوم، داستان‌های جلال را (شامل رمان و مجموعه داستان) که او را در مقام پیشگامی ادبیات نهضت

و مبارزه و حتی انقلاب اسلامی می‌نشاند برانداز می‌کنیم. در بخش سوم، یادداشت‌ها و در بخش چهارم مقالات و تقاریر سیاسی اجتماعی او را از نظر می‌گذرانیم تا شاید شخصیت ناشناخته جلال آل احمد، سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی- که او انتظارش را می‌کشید- برای جویندگان تشنه نسل حاضر، معرفی گردد. در بخش ضمایم و اسناد هم ناگفته‌هایی از جلال و درباره او درج شده که هدف اثر را محقق می‌سازد. در پایان ضمن تشکر از مؤلف بر تلاش، از معاون پژوهشی جناب آقای دکتر طبیعی، مدیر گروه هنر و ادبیات انقلاب اسلامی مرکز آقای سیدمجید امامی، آقای مهدی حق‌بین آریزای نهایی طرح و همکاران پر تلاش معاونت انتشارات قدردانی می‌کنیم.»

■ **رحیم فلاح**

مروری بر نحوه برگزاری انتخابات مجلس در ادوار گوناگون تاریخ معاصر کشورمان، می‌تواند شیوه تشکیل این نهاد را، هر چه بیشتر پخته و سالم دارد. مقال پیش رو با همین هدف و با بازخوانی حاشیه و متن مجلس چهاردهم به نگارش درآمده است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

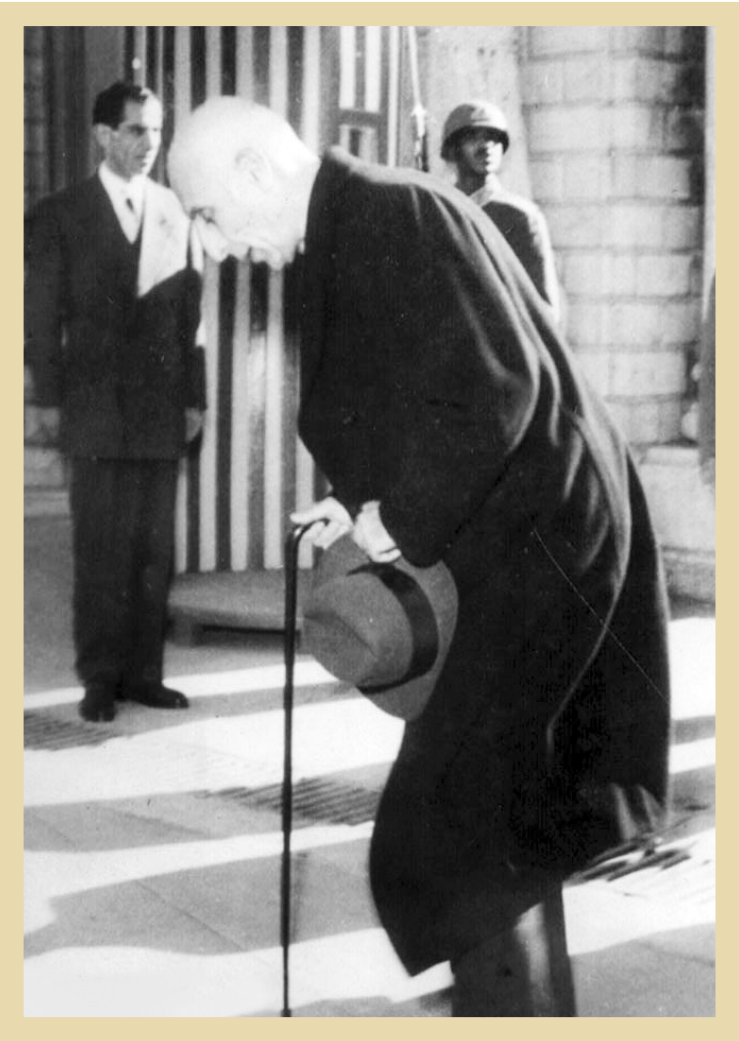
■ ■ ■

■ **انتخاباتی در غیاب دیکتاتوری ۲۰ ساله**

شاید بتوان گفت انتخابات مجلس چهاردهم، یکی از طولانی‌ترین، رقابتی‌ترین و بنابراین بااهمیت‌ترین انتخابات در تاریخ ایران معاصر بود. مبارزات انتخاباتی که از خرداد ۱۳۲۲، شش ماه پیش از پایان مجلس سیزدهم آغاز شده بود، در برخی حوزه‌ها تا روزهای نخست اردیبهشت ۱۳۲۳ یعنی سه ماه پس از گشایش مجلس چهاردهم ادامه داشت. در این انتخابات بیش از ۸۰۰ نامزد انتخاباتی بر سر ۱۳۶ کرسی رقابت می‌کردند. افزون بر این، نتیجه انتخابات را نه دولت بلکه از یک سو نیروهای اجتماعی و از سوی دیگر گروه‌های سازمان‌انگلیس به ویژه احزاب سیاسی، فراکسیون‌های پارلمانی و طرفداران خارجی آنان در بروکراسی دولتی تعیین می‌کردند. دیگر آن روزهایی که شایع می‌توانست نمایندگان وفادارش را به مجلس بازگرداند، سبزی شده است. اکنون کشور به واسطه برگزاری انتخابات مهیج و بسیار پیچیده بین نامزدهای رقیب، جان تازه‌ای گرفته بود، نامزدهایی که تمایلات متفاوت داشتند، از نظر گروه‌های گوناگونی پشتیبانی می‌کردند و وابسته به نیروهای اجتماعی متخاصمی بودند.

■ **پیچیدگی‌های یک انتخابات**

وضعیت بروکراسی دولتی از منظره‌های به منطقه دیگر کاملاً متفاوت بود. برخی از فرمانداران با منتقدین همکاری نزدیکی داشتند، برخی دیگر روابط نزدیک خود را با شاه حفظ کرده بودند، برخی پشتیبان نخست‌وزیر بودند و برخی دیگر نیز به بزرگان محلی گروه‌های ایدئوفوق‌منطقه‌ای و احزاب سیاسی ملی وابسته بودند. وزارت تازه‌تأسیس خواروبار هم می‌توانست با اعمال نفوذ در انتخابات اوضاع را پیچیده‌تر کند زیرا هیچ کس نمی‌توانست بدون کارت جیره‌بندی خود رای بدهد. در نتیجه نخست‌وزیر و وزرای کشور و خواروبار در انتخابات



محمد مصدق در زین و کلاهی مجلس چهاردهم بود

د

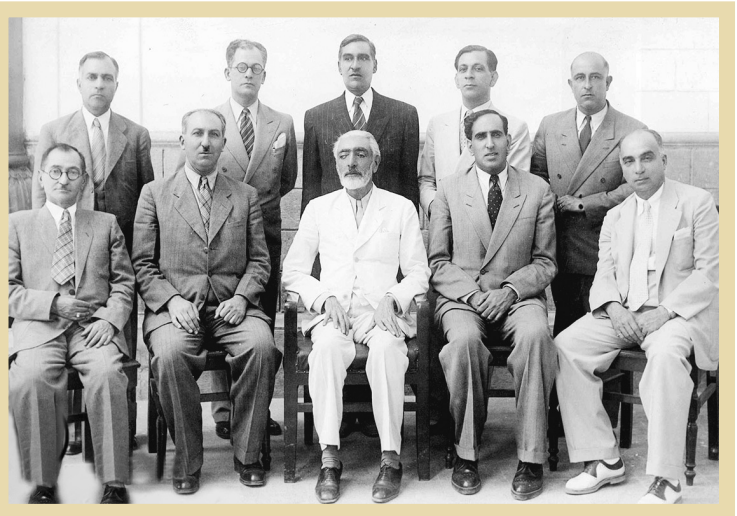
محمد مصدق و اعضای فراکسیون حزب توده در مجلس چهاردهم، به مخالفت با اعتبارنامه سیدضیاءالدین طباطبایی بر خاستند که، مجلس نیز در دو جلسه به اعتبارنامه سیدضیا رسیدگی کرد. سید در واکنش به مخالفت مصدق، از کودتای ۱۲۹۹ رضاخان دفاع کرد و مدعی شد این اقدام از افتخارات اوست که در آن زمان دوله‌ها و سلطنه‌ها را توقیف کرده است! در هر صورت پس از دو جلسه بحث و بررسی سرانجام مجلس اعتبارنامه سیدضیا را به رأی گذاشت و با ۵۷رای موافق و ۲۸ رأی مخالف تصویب کرد

انتخابات چهاردهمین دوره مجلس شورای ملی، فرصت‌ها و چالش‌ها

تشکیل «دارالشورش» زیر سایه اشغال ایران!

تهران و مازندران، دو استان مهم خارج از محدوده حکومت نظامی و اشغال خارجی بیشترین نفوذ را اعمال کردند. از طرف دیگر شاه‌نیز در حوزه‌هایی که حکومت نظامی برقرار بود به ویژه مناطق آشفته اصفهان، کرمان و کردستان بیشترین نفوذ را به کار برد. متفقین هم در نواحی ویژه تحت اشغال خود دست بالا را داشتند؛ انگلیس در خوزستان، کرمانشاه و بخش‌هایی از استان تهران، شوروی در آذربایجان، گیلان و شمال خراسان.

■ **انتخاباتی که به انحصار هیچ گروهی درنیامد**
البته هیچ‌یک از این نیروها انتخابات را به انحصار خود درنیاروند، آنها که کنترل دقیقی بر آرای مردم نداشتند، فقط می‌توانستند نتیجه رای‌گیری را دستکاری کنند و همچنین ناتوان از اعمال نفوذ در نتیجه انتخابات همواره به نامزدهایی که تاکنون پیروز بسیاری در مناطق خودشان داشتند کمک می‌کردند. هرچند در آغاز انتخابات سفارت انگلیس به کسول‌های خود در مناطق مختلف گوش‌زده کرده بود که «بهترین عناصر را تقویت کنند» نتیجه انتخابات نشان داد که افراد اندکی کرسی‌های خود را صرفاً به مدخله خراجیان مدیون بودند. وزارت خارجه انگلیس در پایان انتخابات خاطر‌نشان کرد که شگفت‌آور است که برخلاف پیش‌بینی‌ها و پیش‌گویی‌های کاسانداری (افسانه یونانی)، امریکایی‌ها، شرکت نفت ایران و انگلیس و دیگران، روس‌ها در رای‌گیری نواحی تحت اشغال خود کمتر اعمال نفوذ کردند. قدرت نسبی نیروهای اجتماعی مختلف به ساختار اجتماعی حوزه‌های انتخاباتی بستگی داشت. در مناطق روستایی، رؤسای ایلات و زمین‌داران بزرگ به واسطه سلطه بر عشایر و دهقانان، نتیجه انتخابات را تعیین می‌کردند. همچنان که کسول انگلستان در تبریز به درستی پیش‌بینی کرده بود، زمین‌دارن به‌حق مطمئن بودند که به‌رغم رادیکالیسم در شهرها، اکثر روستاییان در روز انتخابات نیز از آنان پیروی خواهند کرد. در شهرهای کوچک نیز رهبران مذهبی و تجار ثروتمند برای بسیج طبقه متوسط سنتی به اصناف بازار و مساجد محلی متوسل شدند. از سوی دیگر در بیشتر شهرهای مدرن رهبران مذهبی و تجار ثروتمند، احزاب سیاسی خاص خود را تشکیل دادند تا در برابر روشنفکران رادیکالی که تشکیلات حرفه‌ای، روزنامه‌های انقلابی و مهم‌تر از همه احزاب سیاسی داشتند، ایستادگی کنند.



نمایان از هیئت رئیسه مجلس چهاردهم

■ **بازگشت مصدق به صحنه سیاسی کشور**
هسته اصلی حزب ایران که در اندک زمانی سازمان ملی غیرمذهبی کشور شد، کانون مهندسان ایران بود که در مهر ۱۳۲۰ تأسیس شده بود. مهدی بازرگان، یکی از اعضای مؤسسن انجمن و حزب، علت و انگیزه تأسیس را در خشش انجمن‌های آزاد سیاسی در کشورهای اروپایی ذکر می‌کند که هنگام تحصیل در اروپا شاهد آن بوده است. محمد مصدق که نظریاتش اغلب با دیدگاه‌های حزب ایران هماهنگ بود، در سال ۱۳۲۰ به عرصه سیاست بازگشت ولی به دلیل اینکه به عنوان شخصیتی مستقل مشهور بود از وابستگی‌های حزبی دوری جست. مصدق با پشتیبانی رهبران صنفی تهران و انجمن‌های حرفه‌ای، مبارزه انتخاباتی خود را با طرح سه موضوع عمده آغاز کرد.

وی معتقد بود ایران تنها هنگامی می‌تواند استقلال ملی خود را حفظ کند که سیاست خارجی نادرست و گمراه‌کننده گذشته یا به قول خودش «هوازنه مثبت» را ترک کند و سیاست مناسبی برقرارفاید. در پیش‌گیری که وی آن را «هوازنه منفی» می‌خواند. یعنی پایان امتیاز دادن به قدرت‌های بزرگ به ویژه انگلیس و شوروی و در پیش گرفتن سیاست غیرمتعهدانه. موضوع مورد بحث مصدق در مبارزه انتخاباتی شاه بود. وی با این استدلال که دیکتاتوری رضاشاه بر بنیادهای نظامی استوار بوده است؛ تأکید می‌کرد دموکراسی نوپای کنونی پایدار نخواهد بود مگر اینکه نیروهای مسلح از نظرات پادشاه خارج و به غیرنظامیان و مجلس واگذار شود. ضرورت تغییر نظام انتخاباتی، او اعتقاد داشت تا وقتی خانواده‌های زمین‌دار مجلس را پر کنند اصلاحات اجتماعی غیر ممکن خواهد بود.

■ **حزب ایران و میزان کالیبایی در انتخابات**
در نهایت حزب ایران، زمینه انتخابات مصدق و همچنین پنج نفر از رهبران خود را فراهم کرد که عبارت بودند از: دکتر رضازاده شفق، دکتر لامعلی فرور، دکتر عبدالحمید زنگنه، دکتر حسین معاون و دکتر سیف‌الله معظمی. این پنج نفر نیز مانند دیگر رهبران حزب ایران از نسل جوان طبقه روشنفکر تحصیل‌کرده غرب ساکن تهران بودند.

حزب عدالت از نسل قدیمی روشنفکرانی که در ناسامانی‌ها و آشوب‌های اوایل سال‌های ۱۳۰۰ شرکت داشتند، تشکیل شده بود. حزب عدالت انشعایی از فراکسیون عدالت مجلس بود، توسط علی دشتی نماینده تندرو و دموکرات کهنه‌کاری که در کودتای ۱۲۹۹ شرکت داشت و رئیس مجلس رضاشاه بود و ابراهیم خواجهمزوری، روزنامه‌نگار و مدیر پیشین مطبوعات رهبری می‌شد.

حزب اتحاد ملی هم از یک فراکسیون پارلمانی ریشه گرفته بود. این حزب که نمایندگان سلطنت‌طلب آن را تشکیل داده بودند و از کانون اصلی آن روزنامه ندادی ملت بود، از همان سیاست‌های فراکسیون پارلمانی پشتیبانی می‌کرد. این حزب در مسائلی خارجی به دنبال کمک امریکا، به ویژه کمک نظامی آن کشور برای مقابله با نفوذ انگلیس و شوروی بود و در مسائل داخلی حفظ آشتی و هماهنگی با شاه و ادامه برنامه محافظه‌کارانه اجتماعی را تعقیب می‌کرد.

حزب وطن، در شهره‌بور ۱۳۲۲ باافلاصله پس از بازگشت سیدضیا از تبعید توسط خود او و تشکیل شد. سیدضیا با انتشار نشریه رعد امروز می‌کوشید تا بازاریان، علما و ایلات و عشایر را علیه بازماندگ‌های خطرناک دیکتاتوری نظامی و کمونیس‌م الحادی حزب توده و ایگاریش قانسد، خوادادهای صاحب زمین لقبدار بسیج کند.

■ **و بالاخره گشایش مجلس چهاردهم**
سرانجام گشایش مجلس چهاردهم در بهمن ۱۳۲۲ با ترکیب ۶۰نماینده جدید در مجلسی با ۱۲۶ نماینده ترکیب بسبب آن رای تغییر

داده بود. فراکسیون سلطنت‌طلب اتحاد ملی نه تنها موقعیت مسلط خود را از دست داده بود، بلکه اکنون در محاصره شش گروه مخالف حزب ایران، حزب عدالت، حزب ملی و حزب وطن، حزب همراهان در آبان ۱۳۲۱ توسط گروه کوچکی از روشنفکران تندرو که با حزب توده همکاری نزدیکی داشتند و بعدها پشتیبانی سرسختانه حزب توده از اتحاد شوروی نگران شده بودند، تشکیل شد.

مصطفی فاتح، شخصیت برجسته حزب، اقتصاددان فارغ‌التحصیل انگلیس و یکی از عالی‌رتبه‌ترین مقامات ایران در شرکت نفت ایران و انگلیس بود. عباس نراقی یکی دیگر از بنیانگذاران حزب، حقوق‌دان جوانی بود که به دلیل عضویت در گروه ۵۳نفر مدت کوتاهی زندانی شده بود. خانواده نراقی از خانواده‌های معروف کاشان بود. حزب همراهان دو هدف عمده داشت: «تأمین برابری سیاسی برای همه شهروندان و ملی کردن ابزارهای اصلی تولید برای رسیدن به اصل، به هر کس به اندازه کارش». این حزب در جریان انتخابات در نواحی تحت اشغال انگلیس به فعالیت پرداخت و از ۱۰ نامزدی که همگی متخصصان و دولتیان تحصیلکرده غرب بودند، حمایت کرد.

کاملاً با علایق مذهبی، دیدگاه‌های ایدئولوژیکی، پیوندهای خارجی و مهم‌تر از همه پایگاه‌های طبقاتی آنان هماهنگ بود.

■ **مجلس چهاردهم کانون حمله‌علیه شاه**
مجلس چهاردهم که عادی و آرام گشایش یافته بود ناگهان به کانون حمله‌ای شدید علیه شاه تبدیل شد. فراکسیون‌های آزادی، میهن، دموکرات، مستقل و منفردین همراه با نمایندگان حزب توده به آسانی فراکسیون اتحاد ملی را در انزوا قرار دادند و بلافاصله با ترتیب دادن مراسم سوگند جدید بر وظیفه هر نماینده در دفاع از حقوق قانونی مجلس تأکید کرد. نمایندگان همچنین اسعدبختیاری از فراکسیون دموکرات و مدنی از فراکسیون میهن را به ترتیب به مقام رئیس و نایب رئیس مجلس انتخاب کردند. افزون بر این، آنان مهم‌ترین پست‌های کمیته‌های مهم مجلس را اشغال کردند، جایی که همه قوانین نخست در آنجا بررسی و

۹ جوان

اصلاح می‌شد. اعضای فراکسیون ملی فقط پنج کرسی از ۱۸ کرسی کمیته امور مالی، دو کرسی از ۱۶ کرسی کمیته امور خارجی و دو کرسی از ۱۳ کرسی کمیته نظامی را به دست آوردند.

■ **یک حاشیه ادبی درباره مجلس**

از جمله موضوعات بحث‌برانگیز در میان نمایندگان مجلس شورای ملی در خلال فعالیت مجلس چهاردهم (۱۳۲۲ تا ۱۳۲۴) تصویب اعتبارنامه‌های همدیگر بود که بعضاً به دلیل دخالت اغراض شخصی یا حزبی موجب می‌شد ساعات‌ها وقت نمایندگان صرف این کار شود. باید توجه کرد که در مجالس ۲۴گانه شورای ملی ایران که قبل از انقلاب اسلامی برگزار شده بود، در مجموع اعتبارنامه ۲۲نماینده به تصویب نرسید که نخستین آنها دکتر میرزا محمدخان مصدق‌السلطنه، نماینده اصفهان، بود که به علت کمی سن، اعتبارنامه‌اش رد شد و مجلس چهارم شورای ملی با رد هشت اعتبارنامه در این زمینه رکورددار بود. در قطعه شعری که در ادامه آمده است، شاعر سعی دارد با استفاده کنایه‌آمیز از لفظ «دارالشورش» (مجلسی برای دعوا و جدل‌های سیاسی بی‌حاصل و از روی بغض و کینه) در برابر «دارالشورا» (مجلسی برای مشورت و حل مشکلات مردم) نقد خود را به وضعیت مجلس چهاردهم بیان کند و هویت سازمانی این مجلس را زیر سؤال ببرد:

دارند همیشه عده‌ای از و کلا

با هم سر اغراض خصوصی دعوا

این مجلس پر ز فتنه بی‌چون و چرا

دارالشورش بود نه دارالشورا

■ **دوگانه مصدق و طباطبایی در مجلس چهاردهم**

اقدام دیگر دکتر مصدق در این مجلس مخالفت با اعتبارنامه سیدضیا طباطبایی (عامل کودتای ۱۲۹۹ شمسی) بود زیرا با ورود سیدضیا پس از ۲۰سال دوری به کشور جنجالی علیه حضور او برپا شده بود و به خصوص راه یافتن او به مجلس از حوزه یزد با توجه به اینکه گفته می‌شد انگلستان حامی اوست، توجه بیشتری را جلب کرد، به همین دلیل مصدق و فراکسیون وکلای حزب توده در مجلس به مخالفت با اعتبارنامه وی برخاستند که، مجلس نیز در دو جلسه ۱۶ و ۱۷ اسفند ۱۳۲۲ به اعتبارنامه سیدضیا رسیدگی کرد. سیدضیا در واکنش به مخالفت مصدق از کودتای ۱۲۹۹ رضاخان دفاع کرد و مدعی شد این اقدام‌ها افتخارات اوست که در آن زمان دوله‌ها و سلطنه‌ها را توقیف کرده است. در هر صورت پس از دو جلسه بحث و بررسی سرانجام مجلس اعتبارنامه سیدضیا را به رأی گذاشت و با ۵۷رای موافق و ۲۸ رأی مخالف تصویب کرد.

■ **بحران نفتی و تأثیرات آن بر مجلس**

در آبان ۱۳۲۳ با پدید آمدن بحران نفتی، ائتلاف میان سلطنت‌طلبان و محافظه‌کاران جنوبی بیشتر تقویت شد. در اوایل مرداد، یکی از نمایندگان عضو فراکسیون منفردین این اطلاعات جنجال‌برانگیز را فاش ساخت که دولت ساعد، مخفیانه یک امتیاز نفتی در نواحی جنوبی به شرک‌تهای امریکایی و انگلیسی بیفینهاد کرده است. همچنین شایعه شده بود که به محض خروج نیروهای شوروی از کشور، در نواحی شمالی امتیازی به شرکت استاندارد و کیوم داده خواهد شد.

کلامونت اسکراین، کنسول انگلیس در مشهد بعدها در خاطرات خود می‌نویسد: «دخالت قدرتمندانه امریکا، به صورت حضور هیئت‌های مالی، نظامی، یورش آشکار امریکا برای تصرف بازار ایران و مهم‌تر از همه، تلاش شرکت‌های استاندارد و کیوم و شل برای دستیابی به امتیازات نفتی بود که روس‌ها را در این کشور، از متحد دوران جنگ به رقیب دوران جنگ سرد تبدیل کرد.»

این بحران نفتی که آغازگر جنگ سرد در ایران، مدت‌ها پیش از شروع آن در اروپا بود، با تشدید اختلاف‌های مخالفان پارلمانی شاه درباره سیاست خارجی، موقعیت وی را تحکیم بخشید.

■ **مجلسی که اختلافات را آشکار کرد**

نهایتاً مجلس چهاردهم با آشکار شدن اختلافات و طبقه‌بندی‌های اصلی اجتماعی به پایان رسید اما نتوانست به مشکل عمده سیاسی کشور را حل کند.

■ **مشکل قانون اساسی:** اگر چه به زودی در نزد بیشتر محافظه‌کاران جنوبی بی‌اهمیت شد، در دستور کار اشرف افشاری، رهبری نخست‌وزیر قوام، طبقات متوسط به رهبری مصدق و جنبش کارگری حزب توده باقی ماند. شاه در مبارزه برای حفظ ارزش فقط در یک رشته کشمکش با پیروز شده بود تا مزاحم اصلی خود، قوام را که رئیس دولت بود و مبارزه دیگری علیه شاه طراحی می‌کرد، بشناسد.

■ **مشکل سیاست خارجی:** به ویژه مبارزه برای حفظ استقلال ملی، با وجود اشغالگران خارجی در کشور، تقاضای امتیازات اقتصادی از سوی شوروی‌ها و اداره منبع اصلی درآمد کشور توسط شرکت انگلیسی نفت، ضرورت و اهمیت خود را از دست نداد. برعکس با آغاز جنگ سرد بین قدرت‌های بزرگ، تقسیم جهان به دو بلوک رقیب و در ضمن خطر تجزیه شدن ایران، اهمیت و ضرورت این مشکل آشکار شد.

■ **مشکل اجتماعی:** به ویژه نیاز به اصلاحات داخلی هم با برانگیختن برخی گروه‌های قومی علیه دولت تحت سلطه فارسی‌زبانان و تحریک طبقات متوسط و پایین علیه طبقه بالای زمین‌دار، همچنان به قوت و اهمیت خود باقی ماند. طی هفت سال بعدی، این سه مشکل همچنان صحنه سیاست را در ایران تحت‌الشعاع قرار داد.